

کاربردشناسی واژه قریب در عبارت "یتوبون من قریب" در آیه ۱۷ سوره مبارکه نساء

مریم جان نثاری^۱، مهدی مطیع^۲، مهدی حبیب‌اللهی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹)

چکیده

بررسی و شناخت اسماء و صفات الهی از دیرباز تاکنون مورد توجه متکلمان و مفسران بوده است. در این میان واژه "قریب" نیز از صفات الهی و از واژگان کلیدی قرآن کریم است که از میان ۹۲ بار مشتقات قریب بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. کاربرد خاصی از مجموع این موارد در آیه ۱۷ سوره نساء قرار دارد که نظرات مختلفی از سوی مترجمان و مفسران ذیل آن بیان شده است. با بررسی تفاسیر مختلف و کاوش ارتباط بین این واژه و با محتوای آیه و آیات قبل و بعد از آن بنظر می‌رسد که این لفظ در جایگاه یک صفت و نه یک قید زمانی است. این برداشت در بافت آیه، نگارنده را برآن داشت تا با روش کاربردشناسی و با تکیه بر منابع تفسیری و از طریق مشخص نمودن مولفه‌ها و عناصر کارگفتی ارتباط لفظ "قریب" در آیه ۱۷ سوره نساء و آیات همجوار آن را بررسی نماید. پس از بررسی‌های انجام شده بنظر میرسد یکی از صفات الهی براساس لایه‌های بافتی یعنی بافت درون زبانی و بافت برون زبانی در این آیه از قرآن کریم با توجه به کنشی که مدنظر گوینده بوده است، صفت "قریب" است.

کلید واژه‌ها: کاربردشناسی، توبه، قریب، قرآن کریم.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان، اصفهان، ایران؛

marajoons@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اهل بیت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده

M.motia@ltr.ui.ac.ir

مسئول)

habibolah@gmail.com

۳. استادیار دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران؛

۱- بیان مساله

قرب و مشتقات آن ۹۲ بار در قرآن کریم تکرار شده که از این تعداد ۲۶ مرتبه مشخصاً با لفظ «قرب» بکار رفته است که از مجموع این تعداد، در کاربردهای زمانی، مکانی، صفت جایگزین الله، به عنوان متعلقات صفات الهی، در جایگاه صفت برای عذاب و وعده‌های الهی و مواردی از این دست هست.

در این میان برخی مفسران کوشیده‌اند این واژه را در بافت آیه ۱۷ سوره نساء به یک قید زمانی تقلیل دهند.

این آیه به شرح زیر است:

«إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» در این آیه خداوند متعال می‌فرماید که توبه الهی بر انسان در مورد کسانی محقق می‌شود که چنانچه عمل سوئی را انجام می‌دهند به سرعت از "قرب" توبه می‌کنند و در نتیجه اینان را خداوند توبه‌شان را می‌پذیرد و خداوند دانا و حکیم است.

برخی از مواردی که موجب شد این آیه از میان تمامی آیات محتوی واژه قرب مورد بررسی قرار گیرد:

۱. کاربرد منحصر به فرد تکرار ۳ مرتبه واژه توبه در یک آیه

در این آیه تعداد سه مرتبه واژه توبه به کار رفته است که دوبار آن توبه خدا بر انسان با بهره‌گیری از لفظ الله و در میانه این دو، توبه انسان قرار دارد که با لفظ قرب صورت گرفته است. که این کاربرد در قرآن یگانه است. به عبارتی تنها آیه‌ای است که خداوند در یک جمله سه بار از توبه سخن به میان آورده است.

۲. کاربرد منحصر به فرد عبارت "يعملون السوء"

در این آیه برخلاف دیگر کاربردهای واژه يعملون که عموماً همراه با واژه السيئات

است از تعبیر یعملون السوء بهره گرفته شده است. (النساء، ۱۸؛ هود، ۷۸؛ العنکبوت، ۴)

۳. کاربرد واژه قریب بدون قید زمانی

در آیاتی که لفظ قریب به کاررفته همراه با یک قید زمانی "قبل"، "بعد" و یا همراهی یک مضاف مانند "أجل قریب"، مکان قریب" بوده است؛ و این معنا برداشت می شود که اگر مراد الهی مقید نمودن قریب و اطلاق زمانی آن باشد خداوند با نشانه‌ای آن معنا را می‌رساند. اینک این آیه در مقام بیان چه معنایی است و چه ارتباطی میان این واژه با محتوای آیه وجود دارد و تا چه اندازه ارتباط آن با آیات قبل و بعد می‌تواند در کشف معنای حقیقی این آیه کمک‌کننده باشد، پرسش‌هایی است که می‌طلبد برای یافتن پاسخ به آن، ارتباط میان واژه قریب و آیه حاوی این واژه و نحوه پیوند میان این معنا و آیات دیگر برای کشف مراد جدی گوینده مورد بررسی قرار گیرد. در این مقاله سعی بر آن است که این آیه با روش توصیفی تحلیلی با بیان مولفه‌ها و عناصر کاربردشناسی و مشخص نمودن کنش زبانی با تعیین لایه‌های بافتی (درون زبانی و برون زبانی) به مراد جدی گوینده دست یابد.

۲- مقدمه

شناخت فرهنگ قرآن و دیدگاه خداوند در جایگاه‌های رفتاری انسان دین‌مدار در طول زندگی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است به طوری که خداوند نداشتن این دیدگاه را به نوعی با غفلت‌زدگی انسان برابر دانسته و چنین انسانی از دیدگاه الهی دچار خود فراموشی است (الحشر، ۱۹) و چنانچه انسانی بخواهد همواره در نگاه و تیررس توجهات الهی باشد و به بیان قرآن کریم به قرب الهی نائل شود، لازمه آن توجه به این دیدگاه‌ها است. (التوبه، ۶۷). در این میان برداشت‌هایی در طول قرون و سالیان از سوی مفسران بر روی آیات قرآن صورت گرفته است که چه بسا همخوانی با بافت آیات الهی ندارد و برخاسته از برخی نقل قولهایی است که شاید فرسنگ‌ها از مفاهیم ناب قرآنی به دور است. یکی از این برداشت‌ها

مربوط به آیه ۱۷ سوره مبارکه نساء است. این مقاله سعی دارد با بررسی این آیه به فهم نزدیک‌تر و مطابق‌تری با مجموع آیات قرآن کریم در این خصوص دست یابد.

۲-۱. پیشینه

اگرچه مقوله قرب در متون قرآنی و روایی مورد توجه پژوهشگران بوده اما آنچه تاکنون در پژوهش‌ها به چشم می‌خورد، مرور ماهیت‌های مطرح‌شده برای قرب الهی است. قرب از نگاه حسی، فراحسی، مادی، تکوینی، مجازی و حقیقی، تقسیم‌بندی‌هایی از این جمله و در این راستا است. در موضوع قرب الهی از قرون اول تا به بعد کتاب‌ها و آثاری پدید آمد که البته اکثر آثار به جمع‌آوری و دسته‌بندی مفهوم قرب الهی پرداخته است. از مهمترین این آثار در این موضوع عبارت‌اند از: آفاساکی (۱۳۸۹ شمسی)، در پایان‌نامه معاشناسی "تاریخی و توصیفی واژه قرب در قرآن کریم"؛ مقاله "نگاهی دوباره به قرب الهی" (نوشته محمدتقی مصباح یزدی، مجله معرفت، ش ۱۷۹، ۱۳۹۱)؛ مقاله "مقربان الهی و جایگاه آنان" نوشته اسماعیل علی‌خانی، مجله معرفت اخلاقی، ش ۱۱، ۱۳۹۱)؛ احمدی (۱۳۹۲ شمسی) در پایان‌نامه "قرب الهی و مقربین از منظر قرآن و روایات"؛ امیری (۱۳۹۶ شمسی) در پایان‌نامه "حقیقت قرب الهی در قرآن با تکیه بر آراء مفسران شیعه"؛ قربانی لاکتراشانی (۱۳۹۸ شمسی) در پایان‌نامه با عنوان "معاشناسی قرب در قرآن کریم"؛ که همگی به بررسی تعابیر گوناگون قرب الهی در فرهنگ اسلامی، به بررسی جایگاه قرب به خدا و راه‌های وصول به آن، آثار و موانع قرب و نیز ویژگی‌های مقربان، ریشه‌شناسی تاریخی واژه قرب در قرآن کریم، سیر تطور معنایی آن در دوره جاهلی تا عصر نزول و مواردی از این دست می‌پردازند. بنابراین با بررسی‌های صورت گرفته پژوهش حاضر با پیشینه‌ی این مقوله، هم در بحث اصلی یعنی واژه قرب و هم در روش بررسی، متفاوت می‌باشد. این مقاله نه فقط در کاربرد مفهومی "قرب الهی" بلکه به بررسی هم‌زمانی واژه قریب در مجموع آیات حاوی این واژگان و همچنین به بررسی واژه‌های همنشین و

جانشین آن می‌پردازد که به این موضوع تاکنون پرداخته نشده است. نگارنده با بررسی واژه "قریب" در کاربرد خاص آن در آیه ۱۷ سوره مبارکه نساء سعی در کشف معنای آن براساس قرائن زبانی به‌طور متمرکز با بهره‌گیری از روش کاربردشناسی مراد جدی می‌پردازد و سعی دارد تا به فهم عمیق‌تر، دقیق‌تر و خالص‌تری از این واژه در قرآن کریم دست یابد.

۲-۲. مفهوم‌شناسی

در ابتدا پیش از پرداختن به رابطه کاربردشناسانه قریب با متن آیه، لازم است توضیح مختصری برای برخی از تعابیر و اصطلاحات بنیادین این تحقیق ارائه گردد.

۲-۲-۱. کاربردشناسی

به مطالعه معنی، کاربردشناسی گفته می‌شود. در حقیقت به معنایی که گوینده یا نویسنده آن را منتقل و شنونده یا خواننده متن برداشت می‌کند اطلاق می‌شود. کاربردشناسی بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره گفتارهایشان سروکار دارد تا با معنای خود کلمات و عباراتی که به کار برده می‌شود. در این روش به واقع منظور گوینده یا نویسنده مدنظر است. به عبارتی اینگونه بررسی، منظور افراد در یک بافت خاص همراه با چگونگی تاثیر آن بافت بر پاره گفت را دربرمی‌گیرد. در حقیقت استفاده از این روش مستلزم توجه به این نکته است که چگونه سخن‌گویان کلام خود را با در نظر گرفتن مخاطب، زمان، مکان و شرایط حاکم سازمان‌دهی می‌کنند. (بول، ۱۱).

۲-۲-۲. متن و بافت و ارتباط آن با کاربردشناسی و انواع آن

کاربردشناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که معنا را در بافت بررسی می‌کند به نحوی که این مفهوم جزء لاینفک بسیاری از نظریات این علم به‌شمار می‌رود. (صانعی‌پور، ۶۲-۶۳) حال در جهت فهم معنا به دنبال معنای متن و در پی آن معنای بافت هستیم.

۲-۲-۱-۱. معنای متن

متن عبارت است از زنجیره‌ای از واحدهای معنادار که دارای دو ویژگی مشخص انسجام درونی و انسجام بیرونی هستند. تفاوت این دو تقریباً مانند تفاوت صورت با محتواست. به این ترتیب که انسجام بیرونی ایجاد هماهنگی صوری و انسجام درونی مربوط به ارتباط معنایی است. (لاینز، ۳۷۱)

متن یعنی زبان در کاربرد. به این معنا که اگر از زبان برای انجام کاری در یک بافت خاصی استفاده کنیم با متن سروکار پیدا کردیم. (هلیدی، ۲۶)

متن دنباله‌ای محدود از نشانه‌های زبانی است که در ذات خود منسجم‌اند و در کل وظیفه ارتباطی خاصی را انجام می‌دهند. به عبارت دیگر متن از دو عنصر انسجام بیرونی و فیزیکی و انسجام درونی و معنایی که در اینجا به عنوان وظیفه ارتباطی یاد می‌شود برخوردار است.

۲-۲-۲-۲. معنای بافت

برای دریافت دقیق معنای یک جمله و متن به غیر از معنای ظاهری کلمات عواملی مخاطب، لحن، مقام سخن، زمان و مکان، اشتراکات فرهنگی و طرف‌های گفت‌وگو نقش زیادی دارد که به این عوامل بافت گفته می‌شود. (صفوی، ۱۸۰)

مهمترین عنصر برای شناخت مراد تولیدکننده متن، توجه به بافتی است که متن در آن تولید شده. بافت در لایه‌های گوناگونی است:

۱. لایه اولیه درون زبانی که شامل زنجیره‌ای از کلمات تولیدشده در جمله است که با توجه به دو محور هم‌نشینی و جانشینی، یعنی رابطه کلمات با یکدیگر و انتخاب آن واژه‌ها از میان گروهی از کلمات مترادف به درک ما از مراد تولیدکننده متن کمک می‌کند

۲. لایه دوم بافتی که از آن به بافت موقعیت یا برون زبانی یاد می‌شود

لایه سوم دانش‌های زمینه‌ای مخاطب است که در نقش بافت عمل کرده و به فهمیدن

مراد متکلم یا نویسنده کمک می‌کند. (صفوی، ۹۷-۹۸؛ صفوی، ۶۴؛ saeed, p: 192).

۲-۲-۳. انواع بافت

در زبان‌شناسی بافت در نوع دلالت درون زبانی و دلالت برون زبانی بیان می‌شود. دلالت برون زبانی رابطه میان صورت هرواحد زبان با مفهومی است که در ذهن داریم. در واقع گروهی از زبان‌شناسان علاوه بر دلالت درون زبانی به دلالت برون زبانی توجه کرده‌اند. چرا که فضای پیرامون جمله و موقعیت و شرایط گوینده و مخاطب در کنار زبان و ساختار جمله در درک متن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. (صفوی، ۲۹۵-۳۰۰)

متن و بافت مکمل یکدیگراند و هرکدام بر دیگری تاثیر می‌گذارند. به این معنا که متن بر اثر بافت و شرایط محیطی و فرهنگی حاکم تولید می‌شود و بافت نیز بر حسب متنی که سخن‌گویان زبان در گفته‌ها و نوشته‌هایشان و در موقعیتی خاص تولید می‌کنند و آفریده می‌شود، تغییر می‌کند و به روز می‌شود. (لاینز، ۳۷۱)

متن و بافت دو عنصر کلیدی و مکمل هم هستند که باعث فرایند فهم مراد می‌شوند. برای بافت اقسام گوناگونی ذکر شده که در راس آنها بافت درون زبانی و بافت موقعیت یا برون زبانی قرار دارد. این عوامل بافتی علاوه بر شناساندن معنای صریح متن، بسیاری از معانی غیر صریح و تلویحی را نیز مشخص می‌کند. (الموش، ۳۰)

۲-۲-۳-۱. بافت موقعیت یا برون زبانی

در بیشتر دانش‌های غربی که از بافت صحبت شده، منظور بافت موقعیت یا برون زبانی است. بافت موقعیت که به بافت فیزیکی نیز معروف است به تمام شرایط موجود در تولید و تفسیر متن گفته می‌شود. (آقا گل‌زاده، ۴۰-۳۹). از مولفه‌های این نوع بافت می‌توان به سیاق، ارتباط آیه با آیات پیرامون، قرائن غیرلفظی، مقتضای حال و شان نزول اشاره کرد (حبیب‌اللهی، ۵۶)

آنچه که در این مقاله باید بدانیم این است که در بافت کلی آیات توجه به بافت برون زبانی شامل فضای نزول، ویژگی‌های گوینده و مخاطب و جایگاهی که این سخن بیان می‌شود، لحن کلام و همچنین دقت در مولفه‌های درون زبانی شامل روابط همنشینی، ارتباط صدر و ذیل آیات، همگی در نزدیک شدن به مراد جدی خداوند بسیار کارساز می‌باشد. (بابائی و دیگران، ۱۷۹؛ صفوی، ۱۹۰)

۲-۲-۲-۲. بافت درون زبانی

بافت درون زبانی که گاهی از آن با عنوان هم بافت (یول، ۱۴۶) یا بافت متنی یاد می‌شود، محیطی است که از طریق جملات زبان ساخته می‌شود و اطلاعاتی را به ما می‌دهد که در ادامه ایجاد ارتباط موثر است. به نوعی مخزن اطلاعاتی است که از طریق جمله‌های زبان پر شده و در ادامه ارتباط استفاده می‌شود. به عبارت دیگر عناصر لفظی پیشینی و یا پسینی که لحاظ کردن آنها در فهماندن و فهمیدن منظور گوینده یا نویسنده دخالت دارد، بافت درون زبانی را تشکیل می‌دهد. (صفوی، ۶۰)

در حقیقت نشانه‌های زبانی که با هم در یک گفتار به کار می‌روند و در تفسیر یکدیگر تاثیر می‌گذارند، بافت زبانی نامیده شده و بافت زبانی برای یکدیگر ایجاد می‌کنند. (قائم‌نیا، ۳۴۱) بنابراین در بافت درون زبانی توجه به زنجیره کلمات به کار رفته در متن و رابطه آنها با یکدیگر نقش محوری دارند.

در اینجا در بررسی بافت درون زبانی لازم است در مورد روابط همنشینی و روابط جانشینی که در ادامه از آن در این پژوهش بهره‌گیری می‌شود توضیح مختصری داده شود.

۲-۲-۳. روابط همنشینی و جانشینی

سوسور معتقد است که معنا از تفاوت میان دال‌ها ایجاد می‌شود. این تفاوت‌ها می‌تواند به دو گونه باشد. هم‌نشینی (که مربوط به موقعیت قرار گرفتن دال است) و جانشینی (که

مربوط به جایگزینی دال‌هاست). البته سوسور دومی را روابط متداعی نامیده اما بعدها رومن یاکوبسن عنوان جانشینی را برای آن به کاربرد و در حال حاضر نیز همین عنوان میان متخصصان این فن رایج است. (chandler, p: 83)

۲-۲-۳-۱. روابط هم‌نشینی

بافت درون زبانی فضایی است که با جمله‌های زبان ساخته می‌شود و اطلاعاتی را در اختیار طرفین گفتگو قرار می‌دهد که در جهت ایجاد ارتباط و ادامه گفتگو مؤثرند (صفوی، ۲۱). به روابط بین الفاظی که در این بافت در کنار همدیگر قرار می‌گیرند روابط هم‌نشینی می‌گویند. (بی‌برویش، ۳۰). روابط هم‌نشینی در واقع ارتباط میان عناصر گفتگو را تقویت نموده و معنا می‌بخشد به همین‌رو است که برای فهم معنای دقیق یک واژه باید آن را با توجه به عناصر درون زبانی در روابط هم‌نشینی مطالعه کرد (باقری، ۱۹۸). هم‌نشینی معنایی، سبب انتقال معنایی واحدهای هم‌نشینی می‌شود که این انتقال می‌تواند تا آنجا پیش رود که یک واحد مفهوم واحد مجاور خود را نیز در برگیرد و حضور آن واحد مجاور را حشو و زائد در نظر آورد و در این شرایط می‌تواند تا به حدی پیش رود که سبب حذف صورت آن واحد شود. (صفوی، ۲۴۸-۲۴۶)

بنابراین هدف اصلی در هم‌نشینی واژه‌ها به هم‌دست دادن مفاهیم و گسترش معنایی هر واژه است؛ زیرا کلمات و واژه‌ها جدای از یکدیگر به کار نرفته‌اند بلکه معنای خود را از مجموع ارتباطی که با یکایک کلمات هم‌نشینی خود به دست می‌آورند دارند. در نتیجه تصورات و تحلیل‌های مفرد نباید رابطه‌های متعددی که آن‌ها با یکدیگر و در سراسر متن دارند را از نظر دور نماید (ایزوتسو، ۶۰).

۲-۲-۳-۲. روابط جانشینی

روابط جانشینی، روابط موجود میان واحدهایی به‌شمار می‌رود که به جای یکدیگر برای

قرارگیری در متن انتخاب می‌شوند و واحدهای معنایی تازه‌ای را ایجاد می‌کنند (صفوی، ۲۸) به بیان دیگر، اجزای یک عبارت علاوه بر روابط ظاهری‌ای که با یکدیگر دارند هر یک با اجزای دیگری هم مرتبط‌اند که در این ارتباط خاص و در این جمله‌بندی حاضر نیستند؛ و در واقع حضور این جزء مانع از حضور آن جزء مشابه است. به رابطه هر یک از اجزای پیام با دیگر اجزای هم مقوله دستوری که می‌توانند به جای هم بیایند، رابطه جانشینی می‌گویند (باقری، ۴۳-۴۲).

رابطه جانشینی در اصل رابطه موجود میان واحدهایی به شمار می‌رود که به جای هم انتخاب می‌شوند و در همان سطح واحد تازه‌ای پدید می‌آورند. فردینان دوسوسور در کتاب خود با عنوان "زبان‌شناسی عمومی صرفاً از رابطه متداعی به جای رابطه جانشینی استفاده کرده است. (صفوی، ۲۶).

۳- بررسی قرآنی موضوع

حال که به روش پیشبرد این مقاله اشاره‌ای شد به سراغ بررسی این واژه در بافت آیات رفته و در دو لایه درون‌زبانی و برون‌زبانی این واژه مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۳-۱. بافت برون‌زبانی واژه قریب (تحلیل روایی)

از آنجا که تفاسیر موجود که در آنها واژه قریب به معنای قید زمانی تعبیر شده عموماً براساس روایات، فضای نزول دیگر آیات و نقل‌های مختلف است می‌توان به نوعی آن را بافت برون‌زبانی تلقی نمود چرا که اینگونه تفاسیر مشخصاً به بافت متنی آیه مورد نظر اشاره ندارند بلکه در فضایی به غیر از این آیه چنین تعبیراتی صادر می‌گردد.

مفسرین برای آیه مدنظر «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (النساء، ۱۷) تعبیر مختلفی را به‌کار برده‌اند که از بررسی اولیه گزارش‌ها و روایات رسیده در کتب مفسرین و منابع

دست‌اول و نزدیک‌تر به زمان نزول یا منابع دقیق‌تر نکات زیر به دست می‌آید:

- نقل روایتی با این مضمون که هر که یک ماه مانده به مرگش توبه کند توبه او پذیرفته می‌شود تا اینکه این مقدار به یک ساعت قبل از مرگ می‌رسد و هر که یک ساعت مانده به مرگش هم توبه کند توبه او مورد پذیرش قرار می‌گیرد (ابن ابی حاتم، ۸۹۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۳؛ طباطبایی، ۵۵/۸).

نقلی از ابن عباس که «قریب» به فاصله زمانی بین یک فرد تا زمان مرگ او است (ابن ابی حاتم، ۸۹۸؛ سمرقندی، ۲۸؛ زمخشری، ۴۸۸).

- نقل دیگری از احمد بن عثمان بن کلیم الاودی از سدی که «قریب قبل از مرگ انسان است مادامی که در صحت باشد» (طبرانی، ۲۰۶؛ بغوی، ۵۸۶؛ ابن جوزی، ۳۸۳؛ زمخشری، ۴۸۸؛ ابن جوزی، ۳۸۳؛ طوسی، ۱۴۶).

- نقلی از حسن که پیامبر فرمودند: «ان الله یقبل توبه آدم ما لم یغر غر بنفسه» (طیب، ۳۷؛ بغوی، ۵۸۶؛ زمخشری، ۴۸۸؛ طبرانی، ۲۰۶؛ سمرقندی، ۲۹).

- نقلی از مقاتل که این آیه در مورد مردی از قریش نازل شده که مست بود و در این حالت شعری را که در آن بت‌های لات و عزی بود خواند و منکر قیامت شد. هنگامه صبح مطلع شده و از این کاری که از او سرزده پشیمان شد و طلب بازگشت نمود سپس این آیه نازل شد. سپس خود مقاتل این را تفسیر می‌نماید و می‌گوید: یعنی قبل از موت. (سمرقندی، ۲۸).

- بیان برخی استدلال‌های عقلی مانند اینکه هر آنچه آمدنی است قریب است و چون انسان همواره از مرگ ایمن نیست پس هر چیزی که این صفت را داراست قریب است. (طبرانی، ۲۰۶).

- نظری در این خصوص که آیه در اصل «یتوبون من زمان قریب» بوده است و زمان قریب هم ماقبل حضور موت است (طبرسی، ۱۴۱) و وجه استدلال آن هم این است که چنانچه مطابق آیه ۱۸ در زمان موت توبه مورد قبول واقع نشود فلذا بقیه زمان‌ها که در آن

توبه قبول است در حکم قریب است. (زمخشری، ۴۸۸).

در نهایت خلاصه‌ای از روایات بیان شده به این ترتیب است:

الف) اولاً جمع زیادی از این تفاسیر به بیان سخنی از ناقلین مانند حسن، ضحاک، مقاتل، قتاده، سدی، کلبی، احمد حنبل و غیره روی آورده‌اند بدون اینکه سخنی از اتصال آن به پیامبر و دیگر معصومین به میان باشد و نیز در روایات اهل سنت یکپارچگی در زمینه نقل وجود ندارد (ابن ابی حاتم، ۸۹۸/۳؛ ابن جوزی، ۳۸۳؛ زمخشری، ۴۸۸؛ بغوی، ۵۸۶؛ طبرانی، ۲۰۶).

ب) ثانیاً آن‌گونه که از بررسی بیش از ۴۰ تفسیر تا قرن ۵ هجری برمی‌آید، این ناقلین اغلب در این بخش به تبیین واژه «قریب» مستقل از این آیه، پرداخته‌اند و التفات مخصوصی به عبارت آیه ۱۷ سوره نساء که مورد بررسی آن‌ها است، نداشته‌اند؛ از این‌رو موضوع مورد بحث اغلب پیرامون چیستی واژه‌های قریب و قرب و اینکه شامل چه کسی و چه چیزی می‌شود و به صورت یک بیان کلی و خارج از آیه مورد بحث است. (طبرانی، ۲۰۶؛ طوسی، ۱۴۶).

ج) ثالثاً آنچه از شأن نزول این آیه که بیان شد به نظر می‌رسد اینکه اساساً این شأن نزول نگاهی به مسئله موت ندارد تا قریب به منزله "من قبل الموت" تلقی شود. و مطابق با این شأن نزول و به‌کارگیری لفظ «استرجع» در متن روایت، نشان می‌دهد که برخلاف بیان این مفسران، عبارت «یتوبون من قریب» بیشتر ناظر به قرب در لحظه التفات و توجه و ذکر و بیداری و پشیمانی است تا اینکه به مسئله مرگ اشاره‌ای داشته باشد. (سمرقندی، ۲۸).

۳-۲. بافت برون زبانی واژه قریب (سایر آیات قرآن کریم)

مراجعه به آیات قرآن نشان می‌دهد نسبت خدا به انسان همواره نسبت «قریب و اقرب» (ق، ۱۶؛ البقره، ۱۸۶؛ هود، ۶۱؛ سبا، ۵۱) و در لحظه مرگ در هر صورتی «اقرب» است. (الواقعه، ۸۵). برخی دیگر از مفسرین برای این مفهوم به آیه ۱۳۵ سوره آل عمران «وَالَّذِينَ

إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ لَا يَصِرْوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ» استشهاد نموده و منظور از یتوبون من قریب را درست شبیه به معنای آن آیه و در مفهوم "ذکر خدا و استغفار" از او معنا نموده‌اند (سید قطب، ۶۰۳). در آیات قرآن کریم بغیر از آیه ۱۷ سوره نساء قرائن بسیاری موید معنای قریب در جایگاه صفت الهی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۳-۲-۱. نتیجه‌ی بخش بررسی بافت برون زبانی (تحلیل روایی و آیات پیرامونی)

با توجه به موارد نقل شده در تفاسیر و شأن نزول آیه و همچنین مراجعه به دیگر آیات قرآن کریم، به نظر می‌رسد آیه درصدد بیان «نسبت خدا با انسان» است «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ» و نه درصدد بیان «نسبت انسان با مرگ» که در برخی از نقل‌های فوق مشهود است؛ و در واقع توبه در این آیه نه به معنای «یتوبون من قبل الموت» بلکه به معنای «یتوبون من الله» بوده و لذا منظور از لفظ قریب ذات باری تعالی است و آیه درصدد معنای توبه کردن از خدا به آنچه او امر کرده از پشیمانی و طلب مغفرت و ترک بازگشت دوباره به مثل آن است (طبری، ۲۰۲/۴).

۳-۳. بافت درون زبانی واژه قریب (عبارت "یتوبون من قریب")

همانگونه که بیان شد بافت درون زبانی در واقع بررسی درون متنی آیه با در نظر گرفتن خود کلمه و کلمات هم‌نشین و هم‌جوار آن است.

مطابق با آنچه تاکنون بیان شد عده‌ای از مفسرین با بهره‌گیری از نقل‌ها و روایاتی فرای عبارت آیه ۱۷ سوره نساء، بر این ادعا هستند که قریب در این آیه در کاربرد زمانی است. حال برای اثبات این ادعا و یا کشف معنای حقیقی این عبارت، لازم است بر اساس روش‌های معناشناسانه، هم‌نشین‌های واژه قریب و واژه توبه بررسی گردد. بررسی هم‌نشین‌های واژه توبه از این جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد تا معین شود در کدام آیات

قرآن کریم معنای "توبه زود هنگام" مستفاد می‌شود و از چه واژگانی برای ایفاد این معنا بهره گرفته شده است. بطور همزمان واژه قریب نیز مورد رصد و بررسی قرار می‌گیرد تا معلوم گردد قریب در کدام حالت‌ها و موقعیت‌های متنی به معنای صفت الهی و در کدام جایگاه معنای قید زمانی دارد. نتیجه این دو بررسی می‌تواند ما را به حقیقت و کشف منظور و مراد جدی رهنمون سازد.

۳-۳-۱. واژه‌شناسی قریب

قریب از ریشه «قرب» و در معنای ضد بعید و دور به‌کاررفته است. (ابن عبّاد، ۴۰۴؛ زدری، ۱۰۴۱/۳؛ راغب اصفهانی، ۶۶۳؛ مصطفوی، ۲۶۶)

جمع قریب اقارب است و به مفهوم «دارای قرابت بودن» آمده است. قریبه شکل مؤنث آن و جمع آن «قرائب» است (فراهیدی، ۱۵۲). قریب نقیض بعید است و مذکر و مؤنث و فرد و جمع آن مساوی است. (ابن درید، ۶۲۳؛ جوهری، ۱۹۹؛ ابن منظور، ۶۹۹). قریب در قرآن به‌عنوان صفت مشبّهه و از اسماء حسنی به‌شمار رفته و در این معنا یعنی در معنای اسماء حسنی الهی، براساس آنچه برخی گفته‌اند سه بار در قرآن مجید کاربرد داشته است (عبدالباقی، ۵۴۰).

وزن فعیل برای صفت مشبّهه است که بر معنای ثبوت دلالت دارد. صفت مشبّهه برای بیان یک ویژگی پایدار در یک فرد به‌کار می‌رود که دارای وزن‌های خاصی است. این صفت بر ثبوت تحقق و وقوع یک صفت و دوام و ملازمت بر آن حکایت دارد (حسن، ۲۰۳-۲۰۴؛ سامرائی، ۶۵). این وزن در آیات مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (الاعراف، ۵۶) و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است (الانعام، ۱۵۷). برای نمونه در این آیه از رحمت دائمی و با ثبات خداوند به محسنین سخن به میان آورده شده و از آنجا که مذکر و مؤنث و

جمع و مفرد این کلمه یکسان است شمولیت عام نیز دارد. بعد از نهی از فساد در زمین، به خواندن پروردگار در حال ترس و طمع امر شده و در پایان می‌فرماید رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است (سمرقندی، ۵۲۲).

همچنین در مورد آیه شریفه ۱۸۶ سوره بقره که می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَاتِّبِ قَرِيبٌ» بندگان در مورد چیستی و کجایی پروردگار پرسش می‌کنند و خداوند برای اینکه صفت و جایگاه دائمی خود نسبت به آنان را بیان دارد، خود را در هر شرایطی نزدیک معرفی و از لفظ «قریب» برای خود استفاده می‌نماید.

در کاربرد دیگری خداوند می‌فرماید: «إِلَيَّ تَمُودُ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» (هود، ۶۱)؛ در این آیه نیز خداوند پس از دعوت به استغفار و توبه، خود را در محل توبه و بازگشت و در جایگاه ثابت و مستمر، با واژه «قریب» معرفی می‌نماید. تا با ثبوت این موقعیت بندگان را امیدوار به رحمت خویش نماید (سمرقندی، ۱۵۸).

در اینجا به سراغ معناشناسی واژه قریب رفته و در گام اول آیات حاوی این واژه در قرآن با بررسی می‌شود.

۳-۲-۳. واژه قریب در قرآن کریم

واژه قریب در قرآن کریم ۲۶ مرتبه به‌کاررفته است که در معنای زمانی، مکانی، صفت متعلق به خدا، اسماء‌الحسنی با قیود مختلفی در مجاورت خود هم‌نشین شده‌اند.

الف) قرب زمانی: سیزده آیه که در آن‌ها قید زمان مشهود است. در این موارد از قیدهای «یوم» (النبأ، ۴۰؛ المعارج، ۷)، «قبل» (الحشر، ۱۵)، «الساعة» (الاحزاب، ۶۳؛ الشوری، ۱۷)، «متی» (الاسراء، ۵۱)، «اجل» در آیات (النساء، ۷۷؛ ابراهیم، ۴۴؛ المنافقون، ۱۰)، «آمد» در آیه (الجن، ۲۵)، «موعد» در آیات (هود، ۸۱؛ الانبیاء، ۱۰۹)، «صبح» در یک آیه (هود، ۸۱). مانند آیات زیر:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظَلَمُونَ فَتِيلًا» (النساء، ۷۷)

«وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نَجِبْ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُولَ أَوْ لَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلِ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ» (ابراهيم، ۴۴)

«وَأَنْقُضُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِنَ الصَّالِحِينَ» (المنافقون، ۱۰)

ب) قرب مکانی: در چهار مورد به آن اشاره شده است. مواردی که در آن قید مکانی مشهود است: در دو آیه با هم‌نشینی واژه مکان (سبا، ۵۱؛ ق، ۴۱). در یک آیه همراهی با واژه «دار» (الرعد، ۳۱). یک آیه هم‌نشینی با واژه «عرض» (التوبه، ۴۲) مانند دو آیه زیر:

«وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ» (سبا، ۵۱)

«وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ» (ق، ۴۱)

ج) قرب جانشین صفت الهی: در سه آیه به آن اشاره شده است. مواردی که در جایگاه اسماء حسناى الهی است: (البقره، ۱۸۶؛ هود، ۶۱؛ سبا، ۵۰). مانند دو نمونه زیر:

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (البقره، ۱۸۶)

«وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» (هود، ۶۱)

د) قرب متعلق به افعال الهی: مجموعاً در شش مورد به آن اشاره شده است. مواردی که مربوط به صفتی متعلق به خدا و یا از جانب خداست: (الفتح، ۱۸ و ۲۷؛ البقره، ۲۱۴؛ الاعراف، ۵۶؛ هود، ۶۴؛ الصف، ۱۳).

در این میان فقط یک مورد وجود دارد که در آن‌ها قریب بدون قید زمانی، مکانی در مجاورت خود قرار دارد.

و آن یک مورد واژه قریب در آیه ۱۷ سوره نساء است.

از باب نمونه برخی از این آیات:

«لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا» (الفتح، ۱۸)

«لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا» (الفتح، ۲۷)

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» (البقره، ۲۱۴)

«وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (الاعراف، ۵۶)

«وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوهَا تَأْكُلُ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَ لَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ» (هود، ۶۴)

«وَ أُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (الصف، ۱۳)

بررسی مجموع واژگان قریب در قرآن کریم نشان می‌دهد: قریب در قرآن در ۴ دسته زمانی، مکانی، اسماء الله الحسنى و صفت فعل منتسب به خداوند به کاررفته است. این واژه در کاربرد خودش در مجموعه این آیات دارای قیدهای مختلفی است که در واقع همین قیود نشانه‌ای است برای این آیات، که هر یک در کدام دسته از این موارد چهارگانه قرار می‌گیرد.

۳-۳-۳. بررسی همنشین‌های واژه قریب

یکی از مهمترین ابزارها در بحث زبان‌شناسی و بطور ویژه روش کاربردشناسی بررسی روابط همنشینی و جانشینی است. در بررسی روابط همنشینی به واژه همجوار قریب یعنی واژه "من" و "یتوبون" و همچنین عبارت «کان الله علیما حکیما» برمی‌خوریم. ابتدا بررسی می‌شود که چنین ترکیبی از قریب در جای دیگری از قرآن کریم وجود دارد یا خیر. به

عبارتی همراهی واژه توبه با قرب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۳-۱. معنانشناسی واژه توبه

در بررسی همنشین‌های واژه قریب آنچه در درجه اول می‌تواند به فهم این معنا کمک کند معنای واژه توبه است که به آن پرداخته می‌شود.

الف) ریشه‌شناسی توبه

توبه از ماده (تاء- واو- باء) در اصل به معنای رجوع و بازگشت دلالت دارد (ابن فارس، ۳۵۷) لغت پژوهان توبه را به بازگشت از گناه (الرجوع من الذنب) و برگشتن به سوی خدا، پشیمانی (ابن منظور، ۲۳۳؛ مصطفوی، ۳۹۹) و ترک گناه به زیباترین وجه (راغب اصفهانی، ۱۶۹) معنا کرده‌اند. به طور قطع نمی‌توان گفت توبه به معنای بازگشت از گناه است. بلکه معنای اصلی و پایه‌ای آن بازگشت است. و رابطه‌های دیگر معنایی با توجه به روابط و نسبت‌های موجود در آیات به دست داده می‌شود. ساختار فعلی این واژه غالب موارد با دو حرف "الی" و "علی" که نماینده فاعلیت خدا و انسان هستند و در اندک مواردی با حروفی همچون من و لام جاره و گاهی بدون هیچ حرف جری آمده است.

ب) تحلیل زبان‌شناختی وجه ماضی و مضارع "توب"

از آنجا که مطابق جدول توبه در صیغه‌های مختلف ماضی و مضارع به‌کاررفته لازم است معنای این واژه در ابواب مختلف مجرد و مزید بررسی گردد تا جایگاه آن در هنگام قرارگیری در کنار واژه قریب روشن‌تر گردد. "توب" واژه‌ای معتدل (در قرآن تنها صورت ثلاثی مجرد دارد و متعدی است و شکل ماضی آن "تاب" (۱۳ بار)، تابوا (۱۰ بار)، تابا (۱ بار)، تبتم (۲ بار) و تبت (۳ بار) استعمال شده است. در غالب موارد شکل ماضی ساده این

فعل در قرآن به کار رفته است.

ساختار فعل مضارع ماده توب ۷ بار در قرآن استعمال شده است این ساختار به صورت‌های مضارع اخباری مضارع مجزوم به لم و مضارع منصوب آمده است. فاعل فعل مضارع مفرد یتوب در غالب کاربردها خدا و با حرف جر علی آمده است که نشان از آن دارد که لطف و رحمت خدای متعال نسبت به بنده تائب خود سنت مستمر الهی است

ج) واژه توبه در قرآن کریم

کلمه توبه با مشتقاتش ۸۷ بار در قرآن آمده است که با تغییرات جزئی معنایی ۷ وجه معنایی دارد. رجوع، عفو و درگذشتن، ایمان، تخفیف و آسان گرفتن، توفیق ورود به اسلام، رحم کردن، پذیرفتن توبه.

مطابق با آنچه بدست آمده، از این تعداد ۳۹ مرتبه در ارتباط توبه انسان از خداوند و مابقی توبه خدا بر انسان است. به عبارت دیگر توبه به لحاظ کاربرد قرآنی دو نوع است یکی توبه خدا بر انسان که زمینه را برای نوع دوم یعنی توبه انسان از خداوند فراهم می‌کند. همچنین مجموع ۳۹ مرتبه توبه انسان، ۶ مورد با قید زمانی است. یعنی به زمان توبه اشاره دارد. این آیات عبارتند از سور مبارکه‌ی آل عمران، ۸۹؛ المائده، ۳۴ و ۳۹؛ الانعام، ۵۴؛ الاعراف، ۱۵۳؛ النحل، ۱۱۹؛ النور، ۵.

همچنین الفاظ به کار رفته در عباراتی که دارای قید زمانی هستند حاوی واژه «من قبل» و «من بعد» است که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

«إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران، ۸۹)

«وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ

مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (الانعام، ۵۴)

«وَ الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَ آمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»

(الاعراف، ۱۵۳)

«فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (المائدة، ۳۹)
 «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمَلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا
 لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (النحل، ۱۳۹)

«إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (النور، ۵)
 آنچه از آیات حاوی قیود زمانی برمی آید اینکه اولاً همگی دارای بعد اصلاح هستند و
 ثانیاً همگی به بحث غفوریت الهی اشاره دارند در صورتی که آیه ۱۷ سوره نساء چنین
 ساختاری ندارد حال به بررسی شاخصه های ارزیابی این آیه با روش مذکور باز میگردیم.

۳-۳-۲. بررسی همنشینی فعل یتوبون با واژه قریب

بر اساس آیه ۱۷ سوره نساء ارتباط معنایی نحوی از نوع فعلی میان واژه قرب و واژه
 یتوبون وجود دارد. به عبارت دیگر یکی از واژه‌های هم‌نشین برای کلمه قریب، واژه
 «یتوبون» است که دارای نقش فعلی برای این واژه است.
 فعل یتوبون در ۳ آیه از قرآن کریم به کار رفته است.

۱. اولین آیه مربوط به آیه مورد بحث یعنی سوره مبارکه نساء است. «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ
 لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا
 حَكِيمًا» (النساء، ۱۷)؛ توبه، نزد خداوند، تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب
 گناه می‌شوند، سپس به زودی توبه می‌کنند؛ اینانند که خدا توبه‌شان را می‌پذیرد و خداوند
 دانای حکیم است. در این آیات خداوند پس از ترسیم حدود الهی افراد را در مقابل این
 حدود به دودسته تقسیم می‌کند دسته اول کسانی هستند که مطیع اوامر الهی‌اند و به فوز
 عظیم نائل می‌شوند و دسته‌ای که در مقابل این حدود معصیت‌کار و متعدی‌اند که اینها اهل
 نار و عذاب خوارکننده‌اند. در این میان یک فرصت و دو نوع رفتار هم برای کسانی که توبه
 می‌کنند ترسیم شده است. افرادی که بعد از اینکه خداوند توبه آن‌ها را می‌پذیرد از او توبه
 می‌کنند و خداوند آن‌ها را مورد تفضل ویژه قرار می‌دهد. در این آیه ۳ مرتبه لفظ الله

به کار برده شده که ۲ مرتبه مربوط به توبه خداوند است و یک مرتبه مربوط به توبه انسان؛ اما در آیه بعد سخن از افرادی است که ذکر الهی در وجود آنها کم رنگ است. در این آیه که بسیاری از مفسران آن را نقطه مقابل آیه ۱۷ می دانند. (طباطبایی، ۱۴۲۷) اساساً لفظ الله و صفات مربوط به خداوند به کار برده نشده است و اینها در همان دسته کافران هستند. (النساء، ۱۸).

۲. دومین آیه عبارت است از آیه ۷۴ سوره مبارکه مائده که در آن می فرماید: «أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ چرا به درگاه خدا توبه نمی کنند و از وی آمرزش نمی خواهند؟ و خدا آمرزنده مهربان است. فعل یتوبون در اینجا با عبارت «الی الله» همراه شده است و این عبارت در واقع جانشین «من قریب» محسوب می شود. آیات در فضایی است که خداوند خطاب به اهل کتاب و رفتارهای آنها مواردی را فرموده. ابتدا به سراغ قوم بنی اسرائیل رفته و از آنها پیمان می گیرد؛ اما می فرماید که آنها پیامبران الهی را تکذیب و به قتل رساندند و با اینکه بارها خداوند توبه آنها را پذیرفته؛ اما بیشتر آنان همچنان کر و کورند (المائده، ۷۷) پس از آن مشخصاً به سراغ پیروان مسیح می رود و اینکه آنها مسیح را خدا خطاب نموده اند و خدای واحد را سه گانه می نامند. خداوند در مقابل این رفتار از آنها می خواهد که توبه نموده و از او طلب غفران نمایند.

۳. سومین آیه مربوط به سوره مبارکه توبه است که در آن خداوند می فرماید: «أَوْ لَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ» (التوبه، ۱۲۶)؛ آیا نمی بینند که آنان در هر سال، یک یا دو بار آزموده می شوند، باز هم توبه نمی کنند و عبرت نمی گیرند؟ در این آیه نیز خطاب به مسلمانان است و اینکه هنگامی که آیات الهی تلاوت می شود دو طیف رفتار در مقابل وجود دارد یکی اهل ایمان هستند که این آیات مایه بشارت و افزودگی ایمان برای آنهاست و طیف دیگر کافرانی هستند که در قلبهایشان مریضی وجود دارد و شنیدن آیات بر پلیدی و کفرشان می افزاید اینها توجه ندارند که در هر سال یک یا دو بار مورد آزمایش جدی قرار می گیرند اما باز نمی گردند و متذکر هم نمی شوند.

بنابراین از آنجا که یکی از هم‌نشین‌های واژه قریب فعل «یتوبون» است و از هم‌نشین‌های فعلی آن به‌شمار می‌رود، لازم است برای کشف دقیق تر این موضوع تمامی مشتقات توبه استخراج گردد تا معلوم شود آیا این واژه اساساً با معانی «زمانی» ترکیب شده است یا خیر؟ همچنین آیا این قول مفسران که «کل شیء قبل الموت فهو قریب» از آیات مستفاد می‌شود یا خیر؟

این بررسی جدولی به دست می‌دهد که مطابق آن نتایج بالا بدست آمده است:

مشتقات توبه	توبتهم	توبه به	توبوا	تاب	تا با	تابوا	یتوب	یتوب	یتوبوا	یتوبون	توب	تواب	اتوب
تعداد تکرار	۱	۲	۶	۱۳	۱	۱۰	۶	۶	۲	۳	۲	۳	۱
توبه انسان	*	*	همه موارد با قیود من و الی	۶ مورد بدون قید	*	۵ مورد بدون قید	۱ مورد با هم‌نشین الی الله	*	۲ مورد و ۱ مورد دیگر مساله مورد بحث	با لفظ الی الله			
توبه خدا				۵ مورد			۵	*				*	*
قید زمانی برای توبه				۲ مورد من بعد		۵ مورد من بعد من قبل							

مشتقات توبه	التوب	التوبه	التوبه	التواب	التوابین	تائب	التائب	متاب	متابا	فتاب	تَب	فتوبوا	لیتوبوا
تعداد تکرار	۱	۲	۲	۶	۱	۱	۱	۱	۱	۵	۱	۱	۱
توبه انسان					*	*	*					*	*
توبه خدا	*	*	*	*				*	*	*	*		
قید زمانی برای توبه													

۳-۳-۳-۳. بررسی بافتی عبارت "و کان الله علیما حکیما"

این عبارت ۶ مرتبه در متن قرآن کریم به کاررفته است که از مجموع این موارد، ۵ مرتبه از آن متعلق به سوره نساء یعنی سوره مورد بررسی این مقاله است که می‌تواند به روشنی جایگاه معنایی واژه قریب را پیش روی دیدگان پژوهشگران قرار دهد.

یک. «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (النساء، ۱۷)

دو. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٌ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوًّا لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٌ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدْيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٌ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (النساء، ۹۲)

سه. «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (النساء، ۱۰۴)

چهار. «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا» (النساء، ۱۱۰)

«وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (النساء، ۱۱۱)

پنج. «بَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (النساء، ۱۷۰)

همانگونه که ملاحظه می‌شود از میان همه ۵ کاربرد عبارت «و کان الله علیما حکیما» در این سوره، شماره دو و چهار به طور کامل بر معنای آیه ۱۷ این سوره منطبق است.

نتایج مقاله

۱. از میان تمامی آیات قرآن کریم آیه ۱۷ سوره مبارکه نساء تنها آیه‌ای است که در یک جمله ۳ مرتبه در آن از توبه مطرح شده و در آن از قرب با بهره‌گیری از لفظ "قریب" سخن به میان آمده است.

در پاسخ به این سوال که قرب در اینجا از چه نوعی است، قرب زمانی و یا قرب مکانی و متعلق آن چیست، برخی مفسران پیرامون این آیه بدون توجه به علائم آن، بحث را به سمت و سوی مرگ برده‌اند و خواسته‌اند قریب در اینجا به معنای قبل الموت باشد، اما بررسی‌های معناشناسانه نشان می‌دهد برای فهم معنای قریب در این بافت بایستی به سراغ واژه کلیدی توبه و مشخصاً واژه "یتوبون" رفت. و یافتن متعلق یتوبون می‌تواند در فهم معنای قرب در این آیه کمک کننده باشد.

۲. واژه "یتوبون" در جایگاه جانشینی با واژه "من قریب" در سه آیه از قرآن به کاررفته است که آیه ۱۷ سوره نساء از این قبیل است. و دو آیه دیگر همگی اطلاق به لفظ "الله" دارد. به عبارتی متعلق یتوبون در دو آیه مشابه دیگر لفظ جلاله "الله" است.

۳. بررسی‌ها با رویکرد کاربردشناسانه در این خصوص نشان داد توبه و مشتقات آن ۸۱ مرتبه در قرآن کریم به کاررفته که از این تعداد ۳۹ مرتبه در ارتباط توبه انسان با خداوند و مابقی توبه خدا بر انسان است که از این مجموع ۶ مورد با قید زمانی مربوط به توبه انسان از خداوند است.

اما نکته جالب توجه آن است که الفاظ به کاررفته در عباراتی که دارای قید زمانی هستند حاوی واژه «من قبل» و «من بعد» است و در این آیات هیچ سخنی در رابطه با مرگ نیست.

۴. بنابراین بنظر می‌رسد خداوند در این آیات، معنایی برای ارتباط میان توبه با زمان مرگ انسان ایجاد نکرده است که عبارت یتوبون من قریب در آیه مورد بررسی، مطابق با اقوال روایی به زمان قبل از مرگ اشاره داشته باشد؛ و براساس همان آیات به دست آمد که آنچه ملاک توبه‌پذیری خداوند است فراهم آوردن امکانات توبه، ایمان، اصلاح و مواردی از این دست است و به کارگیری واژه قریب به جهت نزدیکی به مرگ، هیچ‌گاه موردنظر نبوده است.

۵. نتایج حاصل از بافت برون زبانی شامل شان نزول و آیات مختلف پیرامون این آیه و بررسی حدود بیست تفسیر مرتبط نیز نشان می‌دهد اطلاق این لفظ بر بیان صفتی از

صفات الهی از اتقان بیشتری برخوردار است.

به دیگر بیان لفظ قریب در جایگاه آیه ۱۷ سوره نساء، دارای علائم و نشانه‌هایی است که آن را به معنای الهی نزدیک‌تر می‌کند و این علائم هم در بررسی‌های معنا شناسانه مشهود است و هم آیا محکمی در تأیید این معنا در میان آیه‌های قرآن کریم وجود دارد که برخی مفسران به آن استشهاد نموده‌اند.

۶. نتیجتاً مطابق شواهد به نظر می‌رسد آنچه در این آیه مدنظر بوده است بیان نسبت میان توبه و پروردگار و نه بیان نسبت میان توبه و مرگ است. و قرب در اینجا در مقام بیان میان فاصله انسان و خداوند است و نه فاصله انسان و مرگ.؛ به عبارت دیگر، آن هنگام که انسان به عمل سوئی روی آورد آنچه حائز اهمیت است توجه او به ذکر الهی و توبه و بازگشت است و آنچه توبه را مردود می‌کند بی‌توجهی به مقام پروردگار تا وقت مرگ است؛ که اگر چنین باشد توبه فرد مورد پذیرش نیست؛ و چنین فردی نه در حال ایمان که در حال کفر از دنیا خواهد رفت.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم به ترجمه محمدمهدی فولادوند
۲. آراتو، آنتونی، درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، ترجمه یحیی مدرس. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴ ش.
۳. آقا گل‌زاده، فردوس، فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۹۲ ش.
۴. ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی‌حاتم). ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق.
۵. ابن‌جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ ق.
۶. ابن‌درید، محمد بن حسن، جمهره اللغه، بیروت، دارالعلم للملایین، بی‌تا.
۷. ابن‌عباد، صاحب، المحیط اللغه، بیروت، عالم‌الکتاب، ۱۴۱۴ ق.
۸. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۹. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. ازدی، عبدالله، کتاب‌الماء، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱ ش.
۱۲. بابائی، علی‌اکبر؛ غلامعلی عزیزی کیا و مجتبی روحانی راد، روش‌شناسی تفسیر قرآن، تدوین توسط محمود رجبی، تهران، سمت، ۱۳۹۲ ش.
۱۳. باقری، مهری، مقدمات زبان‌شناسی، تهران، قطره، ۱۳۸۷ ش.
۱۴. بغوی، حسین بن مسعود، تفسیر البغوی المسمی المعالم التنزیل، جلد، دار‌احیاء بیروت، التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۵. بی‌برویش، مانفرد، زبان‌شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران، نشر آگاه، ۱۳۷۴ ش.
۱۶. پول، جرج، کاربردشناسی زبان با ترجمه محمد عموزاده، منوچهر توانگر تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱ ش.
۱۷. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان المعروف به تفسیر الثعلبی، بیروت، دار‌احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۱۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج‌اللغه و صحاح العربیه، بیروت، دارالعلم للملایین، ۳۷۶ ق.
۱۹. حبیب‌اللهی، مهدی، نظام معنایی جمله‌های مشابه در قرآن کریم، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۴ ش.
۲۰. حسن، عباس، النحو الوافی، قم، نشر پارسا، ۱۳۹۱ ش.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. سرل، جان آر، جستاری در فلسفه زبان، ترجمه محمدعلی عبداللهی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۲۴. سلمان‌نژاد، مرتضی، معناشناسی تدبر در قرآن کریم با سه رویکرد ساختاری، ریشه‌شناسی و تاریخ‌انگاره، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱ ش.
۲۵. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ ق.
۲۶. سوسور، فردینان دو، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی، تهران، هرمس، ۱۳۸۲ ش.
۲۷. شریفی، علی، معناشناسی قرآن در اندیشه شرق‌شناسان، قم، انتشارات ادیان و مذاهب، ۱۳۹۴ ش.
۲۸. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، تفسیرالقرآن‌الکریم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶ ش.
۲۹. صانعی‌پور، محمدحسن، مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ ش.

۳۰. صفوی، کوروش، آشنایی با زبان شناسی در مطالعات ادب فارسی، تهران، نشر علمی، ۱۳۹۱ش.
۳۱. همو، نوشته‌های پراکنده، دفتر اول معنی‌شناسی، تهران، نشر علمی، ۱۳۹۱ش.
۳۲. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، تفسیر القرآن العزیز المسمی به تفسیر عبدالرزاق، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۱ق.
۳۳. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۲۷ق.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، ۴ جلد، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
۳۵. همو، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۳۶. طبرانی، سلیمان بن احمد، تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اردن، دار الکتب الثقافی، ۲۰۰۸م.
۳۷. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۹. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۶۹ش.
۴۰. العموش، خلود، گفتن قرآن بررسی زبان شناختی پیوند متن و بافت قرآن، ترجمه حسن سیدی تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۸ش.
۴۱. عبدالباقی، محمدفواد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، تهران، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.
۴۲. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن (فراء)، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۰م.
۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.
۴۴. قائمی‌نیا، علیرضا، بیولوژی نص، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ش.
۴۵. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطائف الاشارات تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۲۰۰۰م.
۴۶. کیاهراسی، علی بن محمد، احکام القرآن (کیاهراسی)، دار الکتب العلمیة، بیروت، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۲ق.
۴۷. لطفی‌پورساعدی، کاظم، درآمدی بر اصول و روش ترجمه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳ش.
۴۸. ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات أهل السنة، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۲۶ق.
۴۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۵۰. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۵۱. مکی بن حموش، الهدایة إلى بلوغ النهایة، جامعة الشارقة، امارات، کلیة الدراسات العلیا و البحث العلمی، ۱۴۲۹ق.
۵۲. نکونام، جعفر، درآمدی بر معناشناسی قرآن، قم، دانشکده اصول دین، ۱۳۹۰ش.
۵۳. هلبیدی، مایکل، زبان بافت و متن جنبه‌هایی از زبان در چشم اندازی اجتماعی نشانه شناختی با ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهر ایشانی تهران، نشر علمی، ۱۳۹۳ش.
54. Chandler, Daniel (2003) semantic: the Basics, New York, Routledge
55. David, Crystal, (2003). English as a global bngue language in society (Cambridge universitypress), no5.
56. Saeed, John. (2003) semantics, Oxford: Blackwell.